



لغزش ها در شرح حال ملا محمد مهدی نراقی

پدیدآورده (ها) : فاطمی، سید حسن

فقه و اصول :: فقه اهل بیت :: بهار 1381 - شماره 29

از 210 تا 224

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/68754>

دانلود شده توسط : سید حسن فاطمی

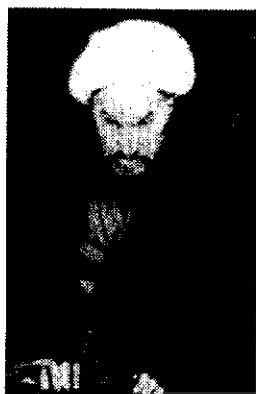
تاریخ دانلود : 23/05/1394

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir



لغزش ها در

شرح حال

ملا محمد مهدی نراقی

سید حسن فاطمی

۲۱۰

فصل اول پیت

سال ۸ / شماره ۲۹

اعتماد به گفته دیگران و بدون بررسی صحت یا سقم مطالب منقول، در شرح حال نگاری رواج دارد و این امر سبب شده لغزش های فراوان در شرح حال ها راه یابد. از جمله شخصیت هایی که در زندگی نامه او اشتباهات فراوان دیده می شود، عالم جامع ملا محمد مهدی نراقی (م ۱۲۰۹ ق) است. با این که مدت زیادی از حیات او نمی گذرد، همه شرح حال هایی که در سال های اخیر برای وی نوشته شده - تا آن جا که دیدیم - همراه با لغزش است. جهت آشنایی با چگونگی راه یابی اشتباه، نمونه ای را نقل می کنیم.

در ادامه خواهیم گفت که مرحوم علامه محمد رضا مظفر در مقدمه جامع السعادات با توجه به قرائنی به طور تقریبی تاریخ تولد نراقی را سال ۱۱۲۸ ق یا پیش از آن حدس زده است. پس از آن، دیگران تولد نراقی را حدود ۱۱۲۸ نوشتند و پس از گذشت مدتی کلمه «حدود» را هم انداختند. در زمان ما برخی نه تنها کلمه «حدود» را نیاورده اند، بلکه به دقیق بودن این تاریخ، تصریح کرده اند. در حالی که در ادامه نشان خواهیم داد این تاریخ

مسئلاً اشتباه است .

با توجه به راه یافتن خطاهای متعدد در شرح حال ملامحمد مهدی نراقی بر آن شدیم لغزش ها را در یک جا گرد آوریم .

تاریخ تولد

معمولاً شرح حال نگاران در چند دهه اخیر، تاریخ تولد ملامحمد مهدی نراقی را سال ۱۱۲۸ ق ضبط می کنند.^۱ گاهی این تاریخ را به صورت قطعی و گاه تقریبی می نویسند. نخستین کسی که این تاریخ را به صورت حدسی و تقریبی بیان کرد علامه محمدرضا مظفر است. وی در مقدمه ای که در سال ۱۳۶۸ ق بر کتاب جامع السعادات نوشته، در مورد تاریخ تولد علامه نراقی می نویسد:

لم يذكر التاريخ سنة ولادته و على التقريب يمكن استخراجها من بعض المقارنات التاريخية، فإنه تلمذ - في أول نشأته على ما يظهر - على الشيخ المحقق الحكيم المولى إسماعيل الحاجوي ثلاثين سنة مع العلم أن أستاذه هذا توفي عام ۱۱۷۳ فتكون أول تلمذته عليه عام ۱۱۴۳ على أقل تقدير، إذا فرضنا أنه لازم له إلى حين وفاته، و لنفرض على أقرب تقدير أنه قد حضر عليه وهو في سن ۱۵ عاماً، و عليه فتكون ولادته عام ۱۱۲۸، أو قبل ذلك ...
و في رياض الجنة المخطوط تأليف السيد حسن الزنوزي المعاصر للمترجم له - حسب نقل الأستاذ حسن النراقي - : إن عمره كان ۶۳ سنة. فتكون ولادته

۱. ر. ك: مقدمه انيس الموحدين، ملامحمد مهدی نراقی، مقدمه از محمد علی قاضی طباطبایی، تبریز، ۱۳۵۱، ش، ص ۳؛ اثر آفرینان (زندگی نامه نام آوران فرهنگی ایران از آغاز تا سال ۱۳۰۰ ش)، زیر نظر عبدالحسین نزایی، چاپ انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۰ ش، ج ۶، ص ۳۳؛ ملامهدی نراقی منادی اخلاق، عبدالرحیم اباذری، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۲ ش، ص ۱۵؛ فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان، تهران، کتابخانه ملی، ۱۳۷۶ ش، ج ۲، ص ۱۵۷۵؛ گلشن ابرار، جمعی از پژوهشگران، قم - نشر معروف، چاپ اول، ۱۳۷۹ ش، ج ۱، ص ۲۸۵.

سنة ۱۱۴۶ هـ . و هذا لا يتفق أبداً مع ما هو معروف في تاريخه انه تلمذ على المولى إسماعيل الخاجوي ثلاثين سنة ؛ لأنه يكون عمره على حسب هذا التاريخ حين وفاة أستاذه ۲۷ سنة فقط .^۲

حدس مظفر مسلماً اشتباه است ؛ زیرا اگر چه تاریخ دقیق تولد ضبط نشده، اما فرزند ارشد او ملاحمد نراقی در یادداشتی به خط خویش در پایان نسخه خطی لؤلؤة البحرين، عمر پدر را هنگام وفات حدود شصت سال درج کرده است.^۳ عبدالرحیم کلانتر ضرابی (سهیل کاشانی) در قرن سیزدهم شرح حال نراقی را نوشته و عمر او را شصت سال ضبط کرده است.^۴ با توجه به این که ملامحمد مهدی مسلماً ۱۲۰۹ در گذشته، اگر سال ۱۱۲۸ را به عنوان تاریخ تولد او بپذیریم، به این معنا است که وی ۸۱ سال عمر کرده است. روشن است که سخن فرزند بر حدس دیگران - آن هم بیش از یک و نیم قرن بعد - تقدّم دارد.

از سوی دیگر سخن سیدحسن زنوزی را - که معاصر ملامحمد مهدی بوده و بارها محضر او را درك کرده است - نمی توان به آسانی کنار گذاشت. گفته زنوزی که مدت حیات نراقی را حدود ۶۳ سال ذکر کرده،^۵ با گفته ملاحمد تنافی ندارد، اما چون زنوزی مدت حیات را دقیق تر یادآور شده، سخن او را ترجیح می دهیم. بنابراین سال تولد ملامحمد مهدی حدود ۱۱۴۶ است.

جا داشت مرحوم مظفر مطلب معروف «سی سال شاگردی ملا اسماعیل خواجهی» را

۲. مقدمه جامع السعادات، ملامحمد مهدی نراقی، مقدمه از محمدرضا مظفر، نجف، ۱۳۸۳ ق، ص «ب». در چاپ به جای ۱۱۲۸ عدد ۱۲۲۸ نوشته شده، که مسلماً اشتباه چاپی است.

۳. ر. ک: مقدمه عوائد الایام، ملاحمد نراقی، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۵ ش، ص ۶۶ و مقدمه شرح الالهیات من کتاب الشفاء، ملامحمد مهدی نراقی، به اهتمام مهدی محقق، مقدمه از حسن نراقی، ص ۲۳.

۴. تاریخ کاشان، عبدالرحیم کلانتر ضرابی (سهیل کاشانی)، به کوشش ایرج افشار، تهران انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم، ۱۳۵۶ ش، ص ۲۸۱.

۵. مقدمه شرح الالهیات من کتاب الشفاء، ص ۲۶.

مورد انتقاد قرار می داد، نه این که به استناد آن، سخن معاصر نراقی را انکار کند.

کتاب ملامهدی نراقی منادی اخلاق، در صفحه ۱۳ عمر نراقی را شصت سال نوشته، اما در دو صفحه بعد می خوانیم:

درست بعد از ۳۷ سال از رحلت فیض کاشانی (م ۱۰۹۱ ق) در سال ۱۱۲۸ ق در نراق - یکی از روستاهای کاشان - نوزادی از مادر متولد می شود. پدرش ... نام او را «محمد مهدی» می گذارد.

نام نراقی

در کتاب ملامهدی نراقی منادی اخلاق و گلشن ابرار می خوانیم:

در سال ۱۱۲۸ ق، در نراق - یکی از روستاهای کاشان - نوزادی از مادر متولد می شود. پدرش، که ابوذر نام داشت و از خدمتگزاران ساده دولتی بود، به امید این که فرزندش از ناشران حقیقی شریعت محمدی (ص) و از منتظران واقعی حضرت مهدی (عج) شود، نام او را «محمد مهدی» می گذارد.^۶

باید سعی کنیم در نقل مطالب تاریخی، به دور از داستان سرایی همان چیزی را بنویسیم که در تاریخ ضبط شده یا این که از قرائن قابل اطمینان به دست آوریم. ندانستیم نویسنده محترم از کجا به دست آورده که هدف پدر نراقی از نام گذاری «محمد» بر فرزند خویش این بوده که وی در آینده از ناشران حقیقی شریعت محمدی (ص) شود؟! پدر نراقی شخصی عوام بوده و چه بسا در ابتدا آرزو داشته که فرزندش در مشاغل دولتی یا کشاورزی مشغول شود، هر چند که اصلاً معلوم نیست این نام گذاری توسط پدر بوده و چه بسا پدر در آن موقع در سفر بوده و مادرش یا شخص دیگر نام او را انتخاب کرده است.

از سوی دیگر قرائنی نشان می دهد نامی را که پدر انتخاب کرده - اگر چنین باشد - «مهدی» بوده نه «محمد مهدی»؛ زیرا مرحوم نراقی در مقدمه یکی از آثارش خود را «مهدی» معروف به «محمد مهدی» معرفی کرده؛ بنابراین نام اصلی او «مهدی» بوده است.

۶. ملامهدی نراقی منادی اخلاق، ص ۱۵؛ گلشن ابرار، ج ۱، ص ۲۸۵.



از این گذشته اگر پدر او را «محمد مهدی» نامیده، به این معنا است که نام اصلی او چنین است. پس چرا روی جلد کتاب آمده: «ملا مهدی نراقی منادی اخلاق»؟!^۷

محل آغاز تحصیل

برخی آغاز تحصیلات نراقی را اصفهان نوشته اند.^۷ این مطلب اشتباه است؛ زیرا معاصر نراقی، ابوالحسن غفاری کاشانی در زمان حیات نراقی تصریح کرده که آغاز تحصیلات وی کاشان است:

در اوایل حال از نراق به کاشان آمده، به تحصیل مقدمات مشغول، بعد از آن که از تحصیل فنون ادبیه فراغت بالی او را حاصل شد، روانه‌ی اصفهان شدند.^۸

اگر چه براساس تحقیق مصحح گلشن مراد در مقدمه، تألیف این کتاب در سال ۱۲۱۰ ق پایان یافته، اما ابوالحسن غفاری در پایان بخش مربوط به شرح حال نراقی نوشته که اکنون سال ۱۲۰۶ است.

۲۱۴

فهرست

سال ۸ / شماره ۲۹

مدت اقامت در اصفهان و شاگردی ملا اسماعیل خواجه‌جویی

برخی مدت اقامت نراقی در اصفهان را سی سال نوشته اند^۹ و برخی نوشته اند که در اصفهان سی سال نزد ملا اسماعیل خواجه‌جویی (م ۱۱۷۳ ق) درس خواند.^{۱۰} شواهد و

۷. ر.ک: مقدمه انیس الموحدین، ص ۴؛ مقدمه جامع السعادات، ص «ج»؛ اثر آفرینان، ج ۶، ص ۳۳.
۸. گلشن مراد، ابوالحسن غفاری کاشانی، به اهتمام غلامرضا طباطبایی مجد، انتشارات زرین، چاپ اول، ۱۳۶۹ ش، ص ۳۹۳.

۹. مقدمه انیس الموحدین، ص ۵ و ۷؛ گلشن ابرار، ج ۱، ص ۲۸۷.
۱۰. فوائد رضویه، حاج شیخ عباس قمی (م ۱۳۵۹ ق) انتشارات مرکزی، ص ۶۶۹؛ لباب الالقباب، ملاحیب اللہ شریف کاشانی (م ۱۳۴۰ ق)، ۱۳۷۸ ق، ص ۹۲؛ مقدمه جامع السعادات، ص «ب»؛ ملا مهدی نراقی منادی اخلاق، ص ۳۲؛ قصص العلماء، میرزا محمد تنکابنی (م ۱۳۰۲ ق)، تهران، کتابفروشی علمیه اسلامی، ص ۱۳۲؛ مجموعه مقالات، حسن حسن زاده آملی، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۷۵ ش، ص ۱۸۹؛ ریحانة الادب، محمدعلی <

قرائنی نادرستی این مطلب را نشان می دهد. ابوالحسن غفاری در مورد تحصیلات نراقی در عراق می نویسد:

بعد از مدتی به شوق زیارت عتبات عالیات و عتبه بوسیروضات عرض درجات، روانه عراق عرب [گشته] و در آن جا نیز مدتی معتدّ به توقف نموده، از فضلی آن حدود مثل... استفاده حدیث می فرمودند.^{۱۱}

تعبیر «معتدّ به» نشان می دهد که مدت اقامت نراقی در عراق طولانی بوده است. در باب الالقاب نیز آمده که وی مدت مدید نزد وحید بهبهانی درس خواند.^{۱۲} بنابراین دست کم مدت اقامت او در عراق سه سال باید باشد. از سوی دیگر نراقی پس از بازگشت از عراق، در کاشان به سال ۱۱۸۱ ق ازدواج کرد؛ چنان که معاصر او صباحی بیدگلی (م ۱۲۰۷ ق) در تهنیت و تاریخ ازدواج او گوید:

ملا مهدی مه سپهر تمکین چون گشت قرین دلبری ماه جبین
زد کلک صباحیش بتاریخ رقم «باهم مه و آفتاب گردید قرین»^{۱۳}

تاریخی که از مصراع پایانی به دست می آید ۱۱۸۱ است. اگر فرض کنیم در همان سال ازدواج، از عراق به کاشان رفته باشد و سه سال در عراق مانده باشد و قبل از آن، یک سال در کاشان، نراقی حداکثر در سال ۱۱۷۷ شهر اصفهان را ترک و به کاشان رفته است؛ یعنی حدود ۳۱ سالگی. اگر سی سال اقامت در اصفهان را بپذیریم، به این معنا است که نراقی حدود یک سالگی جهت تحصیل علم به اصفهان رفته است، در حالی که پیش از آن ادبیات را در کاشان فراگرفت.^{۱۴}

- > مدرس تبریزی، تهران، خیام، چاپ چهارم، ۱۳۷۴ ش، ج ۶، ص ۱۶۴؛ گلشن ابرار، ج ۱، ص ۲۸۶؛ زندگانی و شخصیت شیخ انصاری، مرتضی انصاری، قم، کنگره شیخ اعظم انصاری، ۱۳۷۳ ش، ص ۱۹۷.
۱۱. گلشن مراد، ص ۳۹۳.
۱۲. لباب الالقاب، ص ۹۲.
۱۳. مقدمه شرح الالهیات، ص ۳۲، به نقل از دیوان صباحی بیدگلی، ص ۱۳۶.
۱۴. گلشن مراد، ص ۳۹۳.

در مورد سی سال شاگردی ملا اسماعیل خواجهویی در اصفهان، گذشته از این که روشن شد نراقی سی سال در اصفهان نبوده، مردود بودن این امر از راه دیگر نیز قابل اثبات است و آن این که خواجهویی در سال ۱۱۷۳ ق وفات یافت و در آن زمان نراقی حدود ۲۷ سال داشته است. از این گذشته بعید است نابغه ای مانند نراقی به مدت سی سال، آن هم در سنین جوانی، تنها در درس یک استاد شرکت کند.

ظاهرأ منشأ این سخن، گفته سیدمحمد شفیع چالقی (م ۱۲۸۰ ق) است. وی که در ردیف شاگردان شاگردان نراقی است، در شرح حال او می نویسد:

قرا علی العالم الکامل علامة زمانه ملا إسماعیل الخاجوئی فی ثلاثین سنة
علی ما سمعت^{۱۵}.

عبارت «علی ما سمعت» تردید نویسنده را می رساند و نشان می دهد که این مطلب، اساس قابل اعتمادی ندارد.

هجرت به عراق

انیس الموحدین، در صفحه ۷ و نیز تهیه کنندگان اثر آفرینان، جلد ۶، صفحه ۳۳ هجرت نراقی به نجف و کربلا را مستقیماً از اصفهان نوشته اند. نیز ظاهر عبارت مظفر در مقدمه جامع السعادات، صفحه «د» این است که سفر او از اصفهان بوده است. در حالی که وی پس از اصفهان به کاشان بازگشت و مدتی در آن جا مشغول فعالیت های فرهنگی از جمله اقامه نماز جمعه بود و پس از آن راهی عراق شد. معاصر او ابوالحسن غفاری کاشانی در زمان حیات نراقی می نویسد:

در اصفهان آن جناب را ترقی معقولی در جمیع علوم از فقه، حدیث، تفسیر کلام الله مجید، اصول فقه و حکمت و اشارات و متعلقات آنها، علم ریاضی به جمیع اقسامه از هیات و نجوم و استخراج تقویم و مجسطی و حساب و همچنین علم طب و علم کلام و سایر علوم می که موقوف علیه

۱۵. اوایل کتاب الروضة البهیه.



اجتهاد است، حاصل شده، به کاشان معاودت و مدتی در کاشان به افاده، مشغول و مدتی به اقامت [نماز] جمعه و جماعت قیام و به ارشاد خلائق از خاص و عام مساعی تمام نمودند. بعد از مدتی به شوق زیارت عتبات عالیات و عتبه بوسیروضات عرض درجات روانه عراق عرب [گشته] و در آن جا نیز مدتی معتد به توقف نموده از فضلی آن روز... استفاده حدیث می فرمودند.^{۱۶}

تعداد استادان

معمولاً شرح حال نگاران، از هفت تن به عنوان استادان نراقی نام می برند و برخی تصریح کرده اند که استادان او منحصر در هفت نفر بوده اند.^{۱۷} در حالی که نام تعدادی از آنها به ما نرسیده؛ زیرا از میان استادان او در کاشان تنها نام ملا محمد جعفر پیدگلی به ما رسیده است. از سوی دیگر، فرزند او ملا احمد و نیز سید حسن زنوزی در ریاض الجنه، میرزا نصیر را یکی از استادان ملا محمد مهدی در اصفهان برمی شمردند،^{۱۸} در حالی که نام او میان هفت نفری که ملا احمد آنها را «کواکب سبعة» نامیده، وجود ندارد.^{۱۹} ظاهراً منشأ این که استادان وی منحصر در هفت نفر دانسته شده، این عبارت ملا احمد نراقی در اجازه ای به برادرش ملا محمد مهدی است:

ثم الوالد الأستاذ يروي عن مشايخه الكرام السبعة الذين هم في عصرهم في البلاد بمنزلة الكواكب السبعة في السبع الشداد.^{۲۰}

ملاحمد در این اجازه در مقام شمارش مشایخ اجازه پدر است و مراد این است که

۱۶. گلشن مراد، ص ۳۹۳.

۱۷. ر.ك: مقدمه جامع السعادات، ص «د».

۱۸. ر.ك: مقدمه عوائد الايام، ص ۶۷ و مقدمه شرح الالهيات، ص ۲۶.

۱۹. ر.ك: مقدمه عوائد الايام، ص ۷۳-۷۰.

۲۰. همان، ص ۷۰.

مشایخ اجازه او تنها هفت نفرند و روشن است که شیخ اجازه غیر از استاد است، اگر چه ممکن است کسی هم شیخ اجازه وهم استاد باشد.

یادآوری: در اجازه ملااحمد نراقی به شیخ انصاری این عبارت به چشم می خورد:

...والدي وأستاذي مولانا محمد مهدي بن أبي ذرالنراقي ... عن مشايخه الكرام و أساتيده العظام السبعة الذين هم في البلاد بمنزلة الكواكب السبعة في السبع الشداد. ۲۱

ممکن است برخی از این عبارت ملااحمد استفاده کنند که وی استادان پدر را منحصر در هفت نفر دانسته است. اما با توجه به قرائنی که ذکر کردیم به نظر می رسد که ملااحمد در این اجازه نیز در مقام شمارش مشایخ اجازه پدر است و مراد او این است که مشایخ هفت گانه، استادان او نیز بوده اند.

ستاره های هفت گانه خواندن استادان

حسن نراقی در شرح حال ملامحمد مهدی می نویسد:

در اجازه های تفصیلی، او (ملا محمدجعفر بیدگلی) را از جمله مشایخ کرام و یکی از کواکب سبعة اساتید عظام خود به شمار آورده است. ۲۲

در گلشن ابرار درباره استادان ملامحمد مهدی می خوانیم:

وی در اجازه نامه های تفصیلی خود از این سروران با احترام و عظمت یاد می کند و از آنان به عنوان «کواکب سبعة» یعنی هفت ستاره ۲۳ نام می برد. ۲۴

در خور توجه است که ملااحمد مشایخ پدر را «کواکب سبعة» خوانده است، نه

ملامحمد مهدی. ۲۵

۲۱. زندگانی و شخصیت شیخ انصاری، ص ۱۵۳.

۲۲. مقدمه شرح الالهیات، ص ۲۰.

۲۳. ترجمه دقیق، «ستاره های هفت گانه» است نه «هفت ستاره».

۲۴. گلشن ابرار، ج ۱، ص ۲۸۸-۲۸۷.

۲۵. ر.ک: مقدمه عوائد الایام، ص ۷۰ و زندگانی و شخصیت شیخ انصاری، ص ۱۵۳.

وفات وحید بهبهانی

مرحوم مظفر در مورد سال فوت نراقی می نویسد:

اما وفاته فقد كانت عام ١٢٠٩ في النجف الأشرف و دفن بها فيكون قد بقي
بعد وفاة أستاذه الوحيد البهبهاني سنة واحدة.^{٢٦}

گذشته از این که در ادامه خواهیم گفت که نراقی در کاشان فوت کرد نه نجف، از این عبارت برمی آید که وحید بهبهانی در سال ۱۲۰۸ وفات یافته است. برخی دیگر نیز این تاریخ را ذکر کرده اند، اما درست این است که وی در سال ۱۲۰۵ از دنیا رفته؛ زیرا سیدحسن زنوزی - شاگرد وحید بهبهانی - در ریاض الجنّة و نوّه وحید بهبهانی، آقا احمد در مرآت الاحوال از قول پدرش آقا محمدعلی - فرزند وحید بهبهانی - سال ۱۲۰۵ را ضبط کرده اند.^{٢٧}

ابوالحسن غفاری کاشانی در سال ۱۲۰۶ شرح حال ملا محمد مهدی نراقی را نوشته و با تعبیری از وحید بهبهانی یاد می کند که نشان می دهد وی در آن سال حیات نداشته است. می نویسد:

بعد از مدتی به شوق زیارت عتبات عالیات و عتبه بوسی روضات عرض درجات روانه ی عراق عرب [گشته] و در آن جا نیز مدتی معتدّ به توقف نموده، از فضیلت آن حدود مثل جناب مغفرت مآب علامه ی زمان شیخ یوسف بحرانی، عالی جناب مقدس الالقب مغفرت دستگاه، جنّت و رضوان آرامگاه آقا محمدباقر بهبهانی، حضرت مغفرت انتساب علامّة العلمای شیخ محمد مهدی فتونی - رحمهم الله تعالی و رفع الله درجاتهم في حظایر القدس - استفاده ی حدیث می فرمودند.^{٢٨}

٢٦. مقدمه جامع السعادت، ص ١٥٦.

٢٧. ر. ک: وحید بهبهانی، علی دوانی، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۶۲ ش، ص ۲۵۴.

٢٨. گلشن مراد، ص ۳۹۳.



مشایخ اجازه نراقی

در کتاب اثر آفرینان، جلد ۶، صفحه ۳۳ در شرح حال ملا محمد مهدی نراقی می خوانیم:

از وحید بهبهانی و شیخ یوسف بحرانی و سید مهدی بحر العلوم و سید محمد مهدی شهرستانی و شیخ جعفر کاشف الغطاء و ملا اسماعیل مازندرانی روایت نمود.

چنان که گفتیم ملا احمد نراقی در اجازه به برادرش، نام مشایخ اجازه پدر را ذکر کرده و ظاهر عبارتش این است که مشایخ اجازه پدر منحصر در آنان است. آنها عبارتند از: شیخ یوسف بحرانی (م ۱۱۸۶ ق)، وحید بهبهانی (م ۱۲۰۵ ق)، شیخ محمد مهدی فتونی (م ۱۱۸۳ ق)، ملا محمد جعفر بیدگلی، ملا محمد اسماعیل خواجهی (م ۱۱۷۳ ق)، ملا محمد مهدی هرندی اصفهانی (م ۱۱۸۰ ق) و شیخ محمد بن محمد زمان کاشانی (م بعد ۱۱۶۶ ق).



بنابراین برخی از افرادی که در اثر آفرینان آمده، جزء مشایخ ملا محمد مهدی نراقی نیستند و در جای دیگر این اسامی را به عنوان مشایخ ملا محمد مهدی ندیدیم. آنها عبارتند از: سید مهدی بحر العلوم، سید محمد مهدی شهرستانی و شیخ جعفر کاشف الغطاء. سه شخص فوق، از مشایخ ملا احمد نراقی هستند؛ چنان که خود او در اجازه به برادرش و به شیخ انصاری، از آنها به عنوان مشایخ خود یاد کرده است.^{۲۹}

تعداد فرزندان

در گلشن ابرار می خوانیم:

پس از رحلت ملا محمد مهدی نراقی، چهار فرزند پرومند به نام های: ملا احمد، ملا ابوالحسن، ملا ابابذر و ملا مهدی از وی به یادگار ماندند.^{۳۰}

۲۹. ر. ک: مقدمه عوائد الایام، ص ۸۴-۶۸ و زندگانی و شخصیت شیخ انصاری، ص ۱۵۶-۱۵۴.

۳۰. گلشن ابرار، ج ۱، ص ۲۹۳.

کتاب تاریخ کاشان که در قرن سیزدهم نوشته شده، برای نراقی پنج فرزند می‌شمرد. یکی از آنها میرزا ابوالقاسم است^{۳۱} که در گلشن ابرار نامی از او به میان نیامده است. میرزا ابوالقاسم (م ۱۲۵۶ یا ۱۲۶۵) پس از درگذشت برادرش ملااحمد، به ریاست حوزه علمیه کاشان نایل شد.

اجازه نراقی دوم از وحید بهبهانی

چند روز پس از درگذشت ملامحمد مهدی نراقی در سال ۱۲۰۹ پسری از او متولد شد که او را نیز «محمد مهدی» نامیدند و به او «نراقی دوم» نیز می‌گویند. در شرح حال نراقی اول در کتاب مجموعه مقالات به مناسبت، از نراقی دوم نیز یاد شده است. در مورد او می‌خوانیم:

وی از برادرش فاضل نراقی (ملااحمد) و از وحید بهبهانی و ... مجاز بوده است. ۳۲.

نراقی دوم پنج سال پس از درگذشت وحید بهبهانی متولد شده است و چگونه می‌تواند از او اجازه داشته باشد، مگر این که مراد نویسنده، اجازه با واسطه باشد که این خلاف ظاهر عبارت است. گویا میان پدر و پسر به جهت تشابه اسمی خلط شده است.

تعداد آثار نراقی

در ویژه نامه کنگره فاضلین نراقی آمده است:

در کتاب های شرح حال نگاری، کتاب شناسی و فهرست نسخه های خطی، آثار مولی مهدی نراقی را نزدیک به ۴۰ اثر شمرده اند که باید تک تک

۳۱. تاریخ کاشان، ص ۲۸۲.

۳۲. مجموعه مقالات، حسن حسن‌زاده آملی، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۷۵ ش، ص ۱۹۱-۱۹۰.

آنها بررسی شود تا استناد کتاب ها به مولی محمد مهدی نراقی صحیح باشد. مسلماً مولی احمد نراقی (۱۱۸۵ - ۱۲۴۵ ق) فرزند مولی مهدی نراقی، دست نویسی از خود به جای گذاشته است که بهترین سند در اثبات سی عنوان کتاب به مولی مهدی نراقی است. این دست نویس نراقی در کتاب مثنوی طاقدیس، صفحه ۲۲ عیناً نسخه برداری شده است و در مقدمه کتاب عوائد الايام، صفحه ۶۶ به چاپ رسیده است. ۳۳

نویسنده از عبارات ملا احمد استفاده کرده که مراد او انحصار آثار ملامهدی در سی عنوان است. اما عبارات ملا احمد در این امر صراحت ندارد. او می نویسد:

وله من المصنّفات كتاب اللوامع في الفقه ... ۳۴

ملا احمد در ادامه تا سی عنوان را برمی شمرد. نشانه این که مراد او حصر عنوان کتاب ها در سی عنوان نیست، عبارت او در اجازه به برادرش است. در معرفی پدر خویش می نویسد:

... صاحب المؤلفات الوافرة و المصنّفات الكثيرة الفاخرة المتجاوزة عددها عن الثلاثين. ۳۵

۲۲۲

فقه أهل بیت

سال ۸ / شماره ۲۹

محل وفات نراقی

برخی شرح حال نگاران، محل درگذشت نراقی را نجف نوشته اند^{۳۶} که مسلماً اشتباه است، بلکه وی در کاشان وفات یافت؛ زیرا:

الف) فرزند او ملا احمد به خط خود در پایان نسخه خطی لؤلؤة البحرين به محل

۳۳. ویژه نامه کنگره فاضلین نراقی، ش ۱، ص ۴۶.

۳۴. مقدمه عوائد الايام، ص ۶۶.

۳۵. مقدمه عوائد الايام، ص ۷۰.

۳۶. مقدمه انیس الموحدین، ص ۱۵ و ۱۶، مقدمه جامع السعادات، ص «ب»، اثر آفرینان، ج ۶، ص

۳۳؛ ریحانة الادب، ج ۶، ص ۱۶۴؛ زندگانی و شخصیت شیخ انصاری، ص ۱۹۹.

رحلت با این عبارت تصریح کرده است :

تولد - طاب ثراه - في النراق و توفي في الكاشان .^{۳۷}

ب) ملا احمد در اجازه ای به برادرش درباره رحلت پدر می نویسد :

قد ارتحل - طاب ثراه - إلى جوار الله سبحانه في أول ليلة السبت ثامن شهر

شعبان المعظم من شهور ألف و مائتين و تسع من الهجرة النبوية و حمل نفسه

الشریف إلى النجف الأشرف .^{۳۸}

ج) عبارت معاصر ملا محمد مهدی نراقی ، سید حسن زنوزی در ریاض الجنة نیز نشان

می دهد که وی در نجف فوت نکرده است :

توفي في أوائل ساعات ليلة السبت ، ثامن عشر شعبان من سنة تسع و مائتين و

ألف (۱۲۰۹) و نقل إلى المشهد الغروي و دفن بها عند الرواق .^{۳۹}

گویا منشأ این که برخی محل درگذشت نراقی را نجف دانسته اند ، این باشد

که صاحب روضات الجنات بخشی از اجازه ملا احمد نراقی را آورده که در آن آمده

است :

مولانا محمد مهدی بن ابی ذر النراقی مولداً و الكاشاني مسكناً و النجفي

التجاء و مدفناً .^{۴۰}

شاید برخی از کلمه «التجاء» به دست آورده اند که در پایان عمر به نجف رفته ، حال آن

که یا مراد این است که پیش از فوت مدتی را به نجف رفته و در پناه امیرالمؤمنین (ع) بوده ،

یا این که با دفن او در نجف در پناه امام علی (ع) قرار گرفته است .

۳۷ . مقدمه عوائد الایام ، ص ۶۶ ؛ مقدمه شرح الالهیات ، ص ۲۴ .

۳۸ . مقدمه عوائد الایام ، ص ۷۰ ، شاید «نفسه» در این عبارت ، تصحیف «جسده» باشد و عبارت چنین

بوده است : «حمل جسده الشریف إلى النجف الأشرف» .

۳۹ . مقدمه شرح الالهیات ، ص ۲۶ .

۴۰ . روضات الجنات ، ج ۷ ، ص ۲۰۱ ، شبیه این عبارت در اجازه ملا احمد به برادرش و به شیخ

انصاری نیز وجود دارد . ر.ک : مقدمه عوائد الایام ، ص ۷۰ و زندگانی و شخصیت شیخ انصاری ،

ص ۱۵۳ .



فقه آل بیت

لنژاد با شرح مدارالاحمدین نراقی

شب وفات

از کتاب ریاض الجنه، تألیف سیدحسن زنوزی شب فوت مرحوم نراقی هیجدهم شعبان ۱۲۰۹ نقل شده است:

توفي في اوائل ساعات ليلة السبت، ثامن عشر شعبان من سنة تسع و مائين و الف (۱۲۰۹) و نقل إلى المشهد الغروي و دفن بها عند الرواق.^{۴۱}

ظاهراً «عشر» تصحیف «شهر» است و عبارت چنین بوده است: «ثامن شهر شعبان»؛ زیرا ملااحمد نراقی در اجازه ای به برادرش و در یادداشتی در پایان نسخه خطی لؤلؤة البحرين روز و ماه فوت پدر را چنین نوشته است: «في أوّل ليلة السبت ثامن شهر شعبان المعظم».^{۴۲}

بنابراین ملامحمد مهدی نراقی در شب هشتم شعبان از دنیا رفته است، نه شب هیجدهم. در گلشن ابرار تاریخ فوت نراقی به صورت «روز شنبه ۱۸ شعبان ۱۲۰۹ در هشتاد و یک سالگی»^{۴۳} نوشته شده، در حالی که وی در شب فوت کرد نه روز و هشتم شعبان، نه هیجدهم و دیگر این که سن او حدود ۶۳ سال بود، نه ۸۱ سال.

در خور توجه است که عبارت صحیح از جهت ادبی این گونه باید باشد: «الثامن من شهر شعبان المعظم». بعید نیست منشأ اشتباه، تصحیف باشد.



۴۱. مقدمه شرح الالهيات، ص ۲۶.

۴۲. مقدمه عوائد الايام، ص ۶۶ و ۷۰.

۴۳. گلشن ابرار، ج ۱، ص ۲۹۳.